



دانشگاه سindh
په

روان شناسی جنایی

(رشته روان شناسی)

دکتر احمد برجعلی سعید عبدالملکی

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار ناشر

کتاب‌های دانشگاه پیام نور حسب مورد و با توجه به شرایط مختلف یک درس در یک یا چند رشته دانشگاهی، به صورت کتاب درسی، متن آزمایشگاهی، فرادرسی، و کمک درسی چاپ می‌شوند.

کتاب درسی ثمره کوشش‌های علمی صاحب اثر است که براساس نیازهای درسی دانشجویان و سرفصل‌های مصوب تهیه و پس از داوری علمی، طراحی آموزشی، و ویرایش علمی در گروه‌های علمی و آموزشی، به چاپ می‌رسد. پس از چاپ ویرایش اول اثر، با نظرخواهی‌ها و داوری علمی مجدد و با دریافت نظرهای اصلاحی و متناسب با پیشرفت علوم و فناوری، صاحب اثر در کتاب تجدیدنظر می‌کند و ویرایش جدید کتاب با اعمال ویرایش زبانی و صوری جدید چاپ می‌شود.

متن آزمایشگاهی (م) راهنمایی است که دانشجویان با استفاده از آن و کمک استاد، کارهای عملی و آزمایشگاهی را انجام می‌دهند.

کتاب‌های فرادرسی (ف) و **کمک درسی** (ک) به منظور غنی‌تر کردن منابع درسی دانشگاهی تهیه و بر روی لوح فشرده تکثیر می‌شوند و یا در وبگاه دانشگاه قرار می‌گیرند.

مدیریت تولید محتوا و تجهیزات آموزشی

فهرست مطالب

یازده

مقدمه

۱	فصل ۱: تعاریف و مفاهیم روان‌شناسی جنایی
۱	هدف کلی
۱	هدف‌های یادگیری
۲	مقدمه
۲	تعریف روان‌شناسی جنایی
۳	حیطه و کاربرد
۵	تبارشناسی رفتار جنایی
۶	جرم چیست و چه عملی مجرمانه تلقی می‌شود؟
۷	ارتباط بین جرم‌شناس و روان‌شناس
۸	نقش روان‌شناس در شناسایی مجرم
۹	اهمیت شهادت و شاهدان عینی
۱۰	مراحل شهادت
۱۱	عوامل تأثیرگذار بر حافظه شاهد عینی
۱۳	صداقت شاهدان عینی
۱۴	ابزارهای سنجش
۱۷	خلاصه فصل
۱۸	فکر کنید و پاسخ دهید
۱۸	پرسش‌های مروری
۱۹	پرسش‌های چهارگزینه‌ای

فصل ۲: جرم به مثابه یک عمل ضداخلاقی

۲۱	هدف کلی
۲۱	هدف‌های یادگیری
۲۱	مقدمه
۲۲	نظریه رشد اخلاقی پیاژه

۲۳	نظریه اخلاقی کلبرگ
۲۶	اخلاق مراقبت
۲۷	اخلاق بسته و اخلاق باز برگسون
۲۸	خلاصه فصل
۲۹	فکر کنید و پاسخ دهید
۲۹	پرسش‌های مروری
۲۹	پرسش‌های چهارگزینه‌ای

فصل ۳: جرم در قلمرو مکاتب و نظریه‌ها

۳۳	هدف کلی
۳۳	هدف‌های یادگیری
۳۴	مقدمه
۳۵	۱. دیدگاه زیست‌شناسی
۳۵	چهره‌شناسی و مجسمه‌شناسی
۳۷	زیست - شیمی
۳۹	نظریه لومبروزو
۴۱	نظریه تیپ‌شناسی هوتون
۴۲	نظریه تیپ‌شناسی ویلیام شلدون
۴۳	اختلالات کروموزومی و بزه‌کاری
۴۶	مطالعه دو قلوها
۴۸	مطالعات فرزند خواندگی
۴۹	۲. دیدگاه روان‌شناسی
۵۰	روان‌کاوی
۵۶	غریزه زندگی و غریزه مرگ
۵۷	سادو مازوخسیم
۵۸	نظریه شخصیت آیزنک
۶۰	نظریه رفتارگرایی
۶۲	نظریه یادگیری اجتماعی آلبرت بندورا
۶۵	نظریه شناختی
۶۷	۳. دیدگاه جامعه‌شناسی
۶۸	انریکو فری
۶۹	نظریه آنومی امیل دورکیم
۷۱	نظریه فراوانی معاشرت ساترلند
۷۳	بزه‌های زیرزمینی
۷۵	نظریه برجسب
۷۷	خلاصه فصل
۸۳	فکر کنید و پاسخ دهید
۸۴	پرسش‌های مروری
۸۵	پرسش‌های چهارگزینه‌ای

فصل ۴: جرایم نوپدید: فضای مجازی و بزه رسانه‌ای

۸۷	هدف کلی
----	---------

۸۷	هدف‌های یادگیری
۸۸	مقدمه
۹۰	جرم در فضای سایبر
۹۳	روان پریشی گفتمانی در اتاق چت
۹۴	پژوهشی روان‌شناختی پیرامون اعتیاد به اینترنت در دانشجویان
۹۷	سایت‌های پورنوگراف و سایبر سکس
۱۰۰	اینترنت و دگردیسی روانی - فرهنگی
۱۰۲	رسانه‌ها (ماهواره، تلویزیون، سینما و...) و جرم
۱۰۴	در مصائب بزه‌دیدگی
۱۰۴	تقسیم‌بندی بزه‌دیدگان
۱۰۵	تأملی روان‌شناختی بر بزه دیده
۱۰۶	خلاصه فصل
۱۰۹	فکر کنید و پاسخ دهید
۱۰۹	پرسش‌های مروری
۱۱۰	پرسش‌های چهارگزینه‌ای

فصل ۵: ریشه‌ها و خاستگاه‌های جرم و جنایت

۱۱۳	هدف کلی
۱۱۳	هدف‌های یادگیری
۱۱۴	مقدمه
۱۱۴	تقابل وراثت و محیط در ارتکاب جرم
۱۱۶	خانواده
۱۱۸	کودک آزاری
۱۲۱	نظریه فرصت جرم
۱۲۳	محل سکونت و جرم
۱۲۴	رابطه بین فقر و ارتکاب جرم
۱۲۴	رابطه بین ثروت و ارتکاب جرم
۱۲۵	مهاجرت، حاشیه‌نشینی و ارتکاب جرم
۱۲۵	تقسیم‌بندی مجرمان از نظر درجه مجرمیت
۱۲۶	الف) بزه‌کاران عمیق
۱۲۷	ب) بزه‌کاران متوسط
۱۲۷	ج) بزه‌کاران خفیف
۱۲۷	جرایم یقه سفیدها
۱۲۹	تروریسم
۱۳۰	وندالیسم (تخریب)
۱۳۲	جرایم اقتصادی
۱۳۲	پول‌شویی
۱۳۳	سرقت
۱۳۵	قتل
۱۳۸	خودکشی
۱۳۹	شخصیت ضداجتماعی
۱۴۱	عقب‌ماندگی ذهنی

۱۴۳	اسکیزوفرنیا
۱۴۵	خلاصه فصل
۱۴۹	فکر کنید و پاسخ دهید
۱۴۹	پرسش‌های مروری
۱۵۰	پرسش‌های چهارگزینه‌ای

فصل ۶: اسلام و سیاست‌های پیشگیرانه از جرم

۱۵۳	هدف کلی
۱۵۳	هدف‌های یادگیری
۱۵۴	مقدمه
۱۵۴	۱. حسادت و تنگ نظری
۱۵۴	۲. طمع و زیاده‌خواهی
۱۵۴	۳. جهل و نادانی
۱۵۵	تعریف جرم از دیدگاه اسلام
۱۵۷	دو گناه (جرم) بزرگ
۱۵۷	زنا
۱۵۸	شراب خواری
۱۵۸	پیشگیری از دیدگاه اسلام
۱۵۸	۱. پیشگیری از بیماری روحی فرد
۱۵۹	۲. تکامل و اصلاح فرد
۱۶۰	شیوه اجرای کیفر
۱۶۰	خلاصه فصل
۱۶۱	فکر کنید و پاسخ دهید
۱۶۲	پرسش‌های مروری
۱۶۲	پرسش‌های چهارگزینه‌ای

فصل ۷: راهکارهای حل مسئله اجتماعی در زمینه خشونت و ارتکاب جرم

۱۶۵	هدف کلی
۱۶۵	هدف‌های یادگیری
۱۶۶	مقدمه
۱۶۸	اهمیت نقش‌ها
۱۶۸	نقش والدین
۱۷۰	نقش همسالان
۱۷۲	راهکارهای اجتماعی در زمینه حل مساله اجتماعی در بین کودکان پرخاشگر و غیر پرخاشگر
۱۷۳	پافشاری در رفتار پرخاشگرانه و راهبردهای حل مساله
۱۷۳	شیوه‌های کودکان و تغییرات آنها به‌عنوان ابزار پیشگویی در زمینه تحولات رفتاری
۱۷۵	ارزیابی‌های اخلاقی
۱۷۶	خشم
۱۷۷	نمونه‌ها
۱۷۹	پردازش عمدی در مقابل پردازش خودکار
۱۸۰	درمان شناختی - رفتاری
۱۸۲	مشکلات حل مساله اجتماعی در مجرمان

۱۸۲	تحقیقات تجربی
۱۹۰	بحث و نتیجه
۱۹۱	خلاصه فصل
۱۹۶	فکر کنید و پاسخ دهید
۱۹۷	پرسش‌های مروری
۱۹۸	پرسش‌های چهارگزینه‌ای

فصل ۸: رویکردهای پیشگیری و درمان

۲۰۱	هدف کلی
۲۰۱	هدف‌های یادگیری
۲۰۲	مقدمه
۲۰۴	پیشگیری و درمان
۲۰۴	پیشگیری نوع اول: ایجاد یک محیط سالم
۲۰۶	پیشگیری نوع دوم: کاهش عوامل خطرزا
۲۰۷	پیشگیری نوع سوم: کنترل موقعیت خطر
۲۰۷	استراتژی‌های پیشگیری از بزه‌کاری
۲۰۷	۱. استراتژی‌های خانواده‌گرا
۲۰۷	۲. استراتژی‌های جامعه‌گرا
۲۰۷	۳. استراتژی‌های پالایشی
۲۰۹	دفع ارواح خبیثه از بدن
۲۱۰	زندان (کانون اصلاح و تربیت)
۲۱۲	کاهش «فرصت» جرم
۲۱۴	نقش وسایل ارتباط جمعی
۲۱۵	روانشناسی و سیاست عدالت کیفری
۲۱۷	رویکرد زیستی - شیمیایی به پیشگیری و درمان
۲۱۸	نمایش درمانی
۲۱۹	خلاصه فصل
۲۲۲	فکر کنید و پاسخ دهید
۲۲۲	پرسش‌های مروری
۲۲۳	پرسش‌های چهارگزینه‌ای

پیوست‌ها

۲۲۵	فهرست اصطلاحات انگلیسی به فارسی
۲۲۷	پاسخنامه پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۲۲۹	منابع و مآخذ

مقدمه

روان‌شناسی علم «مطالعه رفتار و فرایندهای ذهنی» انسان تعریف شده است. روان‌شناسی جنایی شاخه‌ای از روان‌شناسی است که بالطبع هدفش مطالعه سیستم رفتاری و فرایندهای روانی افراد مجرم و بزه‌کار جامعه است، که از این حیث یک دانش میان رشته‌ای به‌شمار می‌رود که از مفاهیم و داده‌های رشته‌های علوم انسانی از جمله روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، جرم‌شناسی، حقوق، علوم سیاسی و فلسفه بهره‌مند می‌شود و پرداختن به آن نیازمند دقت، حوصله و زمان فراوان است.

روان‌شناسی جنایی چهار هدف عمده را پیگیر است: ۱. چگونگی شکل‌گیری شخصیت جنایتکاران ۲. پیدا کردن ریشه و علل بروز جرم ۳. پیشگیری از رخ دادن جرم ۴. اصلاح و بازسازی افراد مجرم.

روان‌شناسی جنایی در پی انگیزه‌شناسی جرم و تبیین شخصیت مجرم است. باید دید که نیرو محرکه عصیان علیه خود و دیگران در چیست؟ چه چیزی موجب می‌شود تا فرد مرتکب عمل خلاف شود؟ آیا فرد مجرم مجبور یا مختار است؟ در روان‌شناسی سه جنبش روان‌کاوی، رفتارگرایی و انسان‌گرایی وجود دارد. روان‌کاوان و رفتارگرایان معتقد به جبر هستند و انسان را مجبور به انجام عمل مجرمانه می‌دانند. روان‌کاوان نیروهای ناهشیار و رفتارگرایان شرطی شدن را دخیل می‌دانند اما انسان‌گرایان بر خلاف این دو معتقدند انسان موجودی مختار و انتخاب‌گر است. رویکرد شناختی رفتاری معتقد است که مجرمان در نحوه به‌کار بستن مهارت‌های شناختی نقص دارند و رفتارهای ضد اجتماعی با عملکرد ذهنی نادرست مرتبط است. در این میان نظریه یادگیری اجتماعی بر تأثیر متقابل محیط و فرد بر همدیگر معتقد است؛ به‌گونه‌ای که هم محیط می‌تواند در شکل‌دهی رفتارهای مجرمانه نقش ایفا کند و هم فرد مجرم می‌تواند

یک محیط سالم را آلوده نماید. در دنیای جدید ناتوانی یا عدم علاقه فرد به هماهنگی با دنیای مدرن از طرفی و ناتوانی دنیای جدید در پاسخ به نیازهای حقیقی فرد از طرف دیگر موجب ناسازگاری و ارتکاب عمل مجرمانه می‌شود.

یکی از مباحث جدیدی که در این کتاب به آن پرداخته شده است اختصاص یک فصل در خصوص رویکرد اسلام به مقوله جرم و بزه‌کاری است که در کتاب‌هایی که تاکنون در زمینه روان‌شناسی جنایی به چاپ رسیده به آن پرداخته نشده و یا کمتر پرداخته شده است.

شیوه نگارش و تهیه این کتاب منطبق بر سازوکارهای طراحی آموزشی منابع درسی دانشگاه پیام‌نور است. از آنجا که دانشگاه پیام‌نور دانشجو محور می‌باشد و دانشجویان کمتر از کلاس و استاد استفاده می‌نمایند؛ بنابراین سعی شده است به شکل خودآموز تهیه شود و با طرح هدف‌های کلی و رفتاری در اول هر فصل و تحلیل آسان مطالب فصل و نیز طرح مقوله فکر کنید و پاسخ دهید که در واقع ذهن دانشجو را با یک پرسش کلان از فصل مربوطه مواجه می‌کند. همچنین با طرح پرسش‌های مروری و چهارگزینه‌ای در آخر هر فصل دانشجو بیشتر درگیر جستجو و فهم مطلب می‌شود.

امید است مطالب این کتاب به نیاز دانشجویان و خوانندگان گرامی پاسخ درخور و شایسته دهد و مورد توجه قرار گیرد. بدون شک رهنمودهای سازنده خوانندگان در رفع کم و کاستی‌های کتاب مؤثر خواهد افتاد.

در پایان مولفان بر خود وظیفه می‌دانند که از زحمات و مساعدت‌های همه کسانی که در تدوین این اثر نقش داشته‌اند به‌ویژه جناب آقای دکتر حسین زارع مدیر گروه محترم رشته روان‌شناسی دانشگاه پیام‌نور، جناب آقای دکتر مجید صفاری نیا ویراستار محترم کتاب که راهنمایی‌های ارزنده‌ای را ارائه نمودند، سرکار خانم فاطمه جمشیدی کارشناس محترم گروه روان‌شناسی و نیز مدیریت محترم دفتر تدوین، همچنین سرکار خانم علی‌نژاد به جهت صفحه‌آرایی کتاب و نیز مدیر انتشارات دانشگاه جناب آقای حمزه‌ای تقدیر و تشکر نمایند.

با آرزوی موفقیت روزافزون

دکتر احمد برجعلی - سعید عبدالملکی

۳۱ اردیبهشت ماه ۱۳۹۰

فصل اول

تعاریف و مفاهیم روان‌شناسی جنایی

«زان حدیث تلخ می‌گویم تو را تا ز تلخی‌ها فرو شویم تو را
تو ز تلخی چون که دل پر خون شوی پس ز تلخی‌ها همه بیرون شوی»
«مولوی»

هدف کلی

آشنایی با تعریف، حیطه و کاربرد روان‌شناسی جنایی و نقش روان‌شناس در تشخیص مجرم

هدف‌های یادگیری

از شما دانشجوی گرامی انتظار می‌رود پس از مطالعه این فصل بتوانید:

۱. پیشگامان روان‌شناسی جنایی را نام ببرید.
۲. روان‌شناسی جنایی را تعریف کنید.
۳. حیطه و کاربرد روان‌شناسی جنایی را شرح دهید.
۴. رفتار جنایی را تبیین نمایید.
۵. جرم را تعریف کنید.
۶. اعمال مجرمانه را تبیین نمایید.
۷. ارتباط بین جرم‌شناس و روان‌شناس را بیان کنید.

۸. نقش روان‌شناس در شناسایی مجرم را توضیح دهید.
۹. ضرورت و اهمیت شهادت و شاهدان عینی را شرح دهید.
۱۰. مراحل شهادت را نامبرده و توضیح دهید.
۱۱. عوامل موثر بر حافظه شاهد عینی را شرح دهید.
۱۲. نقش صداقت شاهد عینی در شهادت را تبیین نمایید.
۱۳. ابزارهای سنجش و ارزیابی مجرم را نام ببرید، و آنها را شرح دهید.

مقدمه

هنگامی که در سال ۱۸۷۹ ویلهلم وونت با تاسیس نخستین آزمایشگاه خود در دانشگاه لایپزیک آلمان، روان‌شناسی را به‌طور رسمی از فلسفه جدا کرد، و به‌صورت یک علم مستقل در آورد، به سوی تخصصی شدن پیش رفت و به مرور زمان شاخه‌ها و گرایش‌های متعددی از آن به‌وجود آمد. از جمله این شاخه‌ها روان‌شناسی جنایی بود. استفاده از شیوه‌های روان‌شناسی به وسیله پلیس و مراجع قضایی برای شناسایی مجرم و علل روانی جرم و جنایت از اوایل سال ۱۹۰۰ صورت گرفت. اما در سال ۱۹۶۰ به‌طور رسمی شاخه‌ای از روان‌شناسی به‌وجود آمد که روان‌شناسی جنایی نام گرفت. پیشگامان اصلی روان‌شناسی جنایی که برای اولین بار به طرح چنین عنوانی اقدام کردند «هانس گروس»^۱ و «کلاپارد»^۲ بودند که ابتدا با عنوان «روان‌شناسی قضایی»^۳ از آن یاد کردند، اما به‌تدریج اصطلاح روان‌شناسی جنایی توسط هانس گروس رایج شد.

تعریف روان‌شناسی جنایی

روان‌شناسی جنایی^۴ یکی از شاخه‌های رشته روان‌شناسی است که به‌طور تخصصی در زمینه جرم و مجرم با رویکردی روان شناختی کاربرد دارد. «روان‌شناسی جنایی با تحقیق درباره کیفیت تشکیل شخصیت جنایتکاران و یافتن علل و موجبات بروز جرم، خاصه عوامل روانی جرم زاء، به پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمان می‌پردازد و

1. Hans Gross

2. Claparede

3. Forensic Psychology

4. Criminal Psychology

در تأمین سعادت فردی و اجتماعی رسالت مقدسی بر عهده دارد.» (کی‌نیا، ۱۳۷۳). از تعریف بالا چنین برمی‌آید که روان‌شناسی جنایی چهار هدف عمده را دنبال می‌کند، یکی چگونگی شکل‌گیری شخصیت جنایتکاران، دیگری پیدا کردن ریشه و علل بروز جرم، سومین هدف، پیشگیری از رخ دادن جرم و چهارمین هدف آن، اصلاح و بازسازی افراد مجرم است. به عبارت بهتر روان‌شناسی جنایی درصدد است تا مشوق‌های بیرونی و درونی که فرد را به سوی ارتکاب جرم و بزه‌کاری سوق می‌دهد را شناسایی کرده و برای کاهش و از بین بردن اثر این قبیل مشوق‌ها، راه کارهای علمی ارائه نماید. بزه‌کاری عبارت است از: ترک انجام وظیفه‌ای قانونی و یا ارتکاب عمل خطایی که الزاما عنوان جرم ندارد، لیکن این اصطلاح اغلب معادل جرم و به‌ویژه در ارتباط با جرایم ارتكابی از سوی اطفال و نوجوانان به کار می‌رود (نجفی ابرندآبادی و هاشم‌بیگی، ۱۳۷۷). در تعریفی دیگر بزه مجموعه تخلفات جزایی است که افراد در یک جامعه مرتکب می‌شوند، و بزه‌کاری نوجوانان مربوط به تخلفات در سنینی است که قوانین حدود آن را معین کرده است (منصور، ۱۳۵۰). دورکیم نیز در این ارتباط معتقد است: عمل وقتی بزه محسوب می‌شود که احساسات قوی و شخصی و وجدان جمعی (گروهی) را جریحه‌دار سازد، به این مفهوم که قضاوت جامعه درباره عملی، آن را جرم و بزه می‌سازد نه خصوصیات عینی آن عمل. پس بزه مفهومی بی‌نهایت نسبی و اجتماعی دارد. بدین ترتیب عملی برحسب زمان و مکان ممکن است بزه محسوب شود یا نشود (کی‌نیا، ۱۳۸۲).

حیطه و کاربرد

با وجود این که روان‌شناسی جنایی یکی از شاخه‌های رشته روان‌شناسی است اما می‌توان آن را یک دانش میان رشته‌ای تلقی کرد. با این حال از دو جنبه قابل بررسی است، یکی از حیث گستره ارتباط آن با سایر علوم، همچون زیست‌شناسی، جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی، روان‌پزشکی و آسیب‌شناسی روانی و اجتماعی و دیگری از لحاظ دامنه کاربرد که در دادگاه‌ها، سازمان زندان‌ها، پلیس جنایی و پزشکی قانونی به کار می‌رود. انریکو فری^۱ (۱۹۲۹-۱۸۵۶) جرم‌شناس ایتالیایی به چند رشته جدید

اشاره می‌کند که تا حدودی متمایز از روان‌شناسی جنایی هستند ولی به دلیل همسویی با یکدیگر زیر یک چتر قرار می‌گیرند، که عبارتند از روان‌شناسی قضایی (دادگاهی)، روان‌شناسی زندانبانی و روان‌شناسی قانونی. گرچه این چهار مفهوم تقریباً مترادف هم هستند، لیکن - علاوه بر هدف مشترکی که با هم دارند - هر کدام زمینه تخصصی ویژه‌ای را دنبال می‌کنند؛ روان‌شناسی قضایی محدوده وسیع‌تر و وظایف بیشتری نسبت به بقیه دارد: شاکی، متهم، قاضی، وکیل مدافع، شاهدان عینی، هیئت منصفه، حضار و پیش از همه این‌ها بازجویی و بازپرسی از متهم را نیز در دستور کار خود دارد؛ به‌طوری که می‌توان گفت سه شاخه دیگر زیر مجموعه روان‌شناسی قضایی هستند. روان‌شناسی جنایی بیشترین تمرکز و مطالعه خود را بر روی انگیزه ارتکاب جرم صرف می‌کند. روان‌شناسی زندانبانی به دلیل محکومیت مجرم، از او سلب آزادی می‌کند تا با نگهداری او در کانون اصلاح و تربیت فرصت ویژه‌ای برای اصلاح و بازسازی در اختیار او قرار گیرد. روان‌شناسی قانونی صادرکننده حکم نهایی با در نظر گرفتن عوامل روان شناختی جرم و موقعیت فرد مجرم است.

روان‌شناسان با گرایش‌های مختلف، که در حیطه مسائل قضایی، و جرم و جنایت فعالیت می‌کنند، روان‌شناس جنایی نامیده می‌شوند. کار روان‌شناس بالینی تشخیص و درمان مجرم است. روان‌شناس شخصیت به نقش اختلالات شخصیت و تیپ شخصیتی در ارتکاب جرم اشاره دارد. روان‌شناس تربیتی در پی اصلاح و بازسازی مجرم است و روان‌شناس اجتماعی تلاش می‌کند تا مجرم اصلاح شده را با جامعه آشتی داده، و نحوه سازگاری با جامعه را به او آموزش دهد. بلک بارن^۱ (۱۹۹۶) فعالیت روان‌شناسان جنایی را در یکی از سه دسته زیر تعریف می‌کند:

۱. پژوهش‌های روانی - قضایی: مثل تحقیق درباره شاهدان عینی.

۲. جرم‌شناسی: برای مثال تحقیق درباره علل ارتکاب جرم و راه‌های مقابله با آن.

۳. ارائه شواهد و مدارک مستدل در دادگاه.

در واقع روان‌شناس جنایی با داده‌هایی که از طریق فعالیت در سه حوزه فوق به دست می‌آورد، نقش تسهیل‌کننده برای قضات دارد و غیرمستقیم در تصمیم‌گیری آنها

مشارکت می‌جوید.

پیناتل^۱ (۱۹۷۵) در نگاهی موشکافانه رسالت روان‌شناسی کیفری را چنین تبیین می‌نماید: این علم اموری مانند هوش، نقش استعداد‌های اجتماعی و طرز تلقی اخلاقی بزه‌کاران را با توسل به تست‌های روان‌شناسی تجربی بررسی می‌کند و در عین حال از منابع روان‌شناسی بالینی برای توجیه عمل جنایی و فرایندهای روانی که منجر به ارتکاب عمل می‌شود، استفاده می‌کند.

تبارشناسی رفتار جنایی

در یونان باستان ریشه ارتکاب جرم را به تقدیر و سرنوشت نسبت می‌دادند. اراده خدایان و نیروهای ماوراء طبیعی را در میل به انجام بزه دخیل می‌دانستند. فرد مجرم کسی قلمداد می‌شد که به دلیل خباثت درونی به چنین سرنوشتی گرفتار آمده است. بقراط، حکیم یونانی اعتقاد داشت بزه‌کاری زاییده جنون و دیوانگی است. سقراط (۳۹۹-۴۷۰ ق م) جنایت را ناشی از «جهالت» می‌دانست. افلاطون (۳۴۷-۴۲۸ ق م) ریشه جرم و جنایت را در «فقر و ثروت» یافت. یعنی به میزانی که فقر و تنگدستی فرد را وادار به رفتار جنایی می‌کند به همان اندازه ثروت و دارایی می‌تواند فرد را موجودی بزه‌کار و مجرم بسازد. ارسطو (۳۲۲-۳۸۴ ق م) «عواطف و هیجانات ناسازگار» را موجب گرایش به بزه می‌دانست. ادیان و مذاهب مختلف به‌طور عموم بر نقش غرایز انسانی و هواهای نفسانی تأکید دارند.

هم زمان با تحقیقات علمی دیدگاه‌های متفاوتی راجع به پدیده جرم و مجرم ارائه شد. برای نمونه می‌توان به تحقیقات فرانتز ژوزف گال^۲ (۱۸۲۸-۱۷۵۸) پزشک اتریشی اشاره کرد که با تحقیق بر روی مجموعه افراد مجرم و رابطه آن با ویژگی‌های شخصیت، مجموعه ناموزون را علت ارتکاب جرم قلمداد نمود. اما آغازگر اصلی تحقیق درباره جرم و مجرم سزار لمبروزو^۳ (۱۹۰۹-۱۸۳۵) روان پزشک ایتالیایی بود که با انتشار کتاب مشهور خود با نام «انسان جنایتکار» و ارائه نظریه «مجرم مادرزاد» تحولی بزرگ در حیطه جرم‌شناسی پدید آورد که در پی آن نظریات گوناگونی درباره خاستگاه

1. pinatel

2. Franz Joseph Gall

3. Cesar Lombroso

جرم و مجرم ارائه شد که در فصل‌های بعدی خواهد آمد.

جرم چیست و چه عملی مجرمانه تلقی می‌شود؟

لنیل، لاواستین و استانسیو^۱ (۱۹۵۰) جرم‌شناسی را در قلمرو روان‌شناسی تعریف کرده‌اند و آن را مرتبط به علم روان‌شناسی دانسته‌اند. انریکو فری (۱۸۸۱) به نقش عوامل ترکیبی در بزه‌کاری اشاره می‌کند و جرم را معلول عوامل زیستی - روانی و اجتماعی می‌داند. عوامل زیستی هم چون زیست شیمی بدن و سیستم مغز و اعصاب بزه‌کار؛ عوامل روانی همچون اختلالات شخصیت و خلق متلون و ناپایدار و اجتماعی هم چون محیط جغرافیایی و طبقه اجتماعی به ویژه جامعه‌هایی با طبقه فرهنگی و اقتصادی پایین بستر لازم جهت ارتکاب بزه را فراهم می‌سازند. از منظر نظریه رفتارگرایی جرم یک محرک و مجرم یک پاسخ است؛ به عبارت بهتر قربانی یا بزه‌دیده در جایگاه محرک و زمینه ساز شکل‌گیری جرم، و رفتار مجرم یا بزه‌کار در جایگاه پاسخ به محرک قرار دارد. از دیدگاه آسیب‌شناسی اجتماعی بزه‌کاری به منزله ناسازگاری فرد با جامعه است و کسی که رفتارش خلاف مصالح اجتماعی باشد و به سلامت روان جامعه آسیب بزند مجرم شناخته می‌شود. از دیدگاه روان تحلیلی بر نقش انگیزه‌های ناخودآگاه دوران کودکی تأکید می‌شود. طبق دیدگاه یونگ (۱۹۲۰) انسان دارای دو ناخودآگاه است یکی ناخودآگاه جمعی و دیگری ناخودآگاه فردی، ناخودآگاه جمعی از پیشینیان به ارث برده می‌شود و شامل همه خاطرات و یادبودهای دوران گذشته است و ناخودآگاه شخصی شامل تجربیات و یادگیری‌های فرد در طول زندگی‌اش می‌باشد. براساس این دیدگاه هر انسانی استعداد ارتکاب خطا را دارد چرا که اگر نظری به گذشته انسان بیفکنیم اولین جرم را آدم و حوا مرتکب شدند که با سرپیچی از فرمان الهی بذر عصیان علیه وضع موجود را کاشتند.

جرم مفهومی نسبی است بدین معنا که تلقی‌های گوناگونی از آن وجود دارد و وابسته به فرهنگ، ایدئولوژی و نظام سیاسی حاکم بر جامعه است. ممکن است در جامعه‌ای عملی جرم تلقی شود، اما در جامعه‌ای دیگر همان عمل موجه و مورد تأیید باشد. با این حال در همه جوامع مساله‌ای به نام جرم وجود دارد که پیگیری قانونی

می‌شود. در ایران طبق ماده ۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ «هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم است». بر این اساس نه تنها انجام هر عمل زیان بار به حال جامعه جرم تلقی می‌شود، بلکه عدم انجام یک عمل به موقع نیز که خساراتی را متوجه جامعه سازد، جرم تلقی می‌شود. به عنوان مثال راننده‌ای را در نظر بگیریم که حداکثر سرعت مجاز او ۱۱۰ کیلومتر در ساعت و حداقل سرعت مجاز برای وی ۷۰ کیلومتر در ساعت می‌باشد. حال تخلف او در هر دو وضعیت حداکثر و حداقل که موجب تصادف و خسارت جانی و مالی برای خود و دیگران شود جرم محسوب می‌شود.

ارتباط بین جرم‌شناس و روان‌شناس

در اینجا لازم است جرم‌شناس و روان‌شناس، و همچنین نقش و عملکرد هر یک از آنها شکافته و بررسی شود و ارتباط بین این دو مشخص شود. «جرم‌شناس در مورد هر بزه کار می‌کوشد تا «پرونده شخصیت» او را تنظیم کند. تلاشی محبت‌آمیز و انسانی به کار می‌برد تا بزه کار را با تمام وجود دریابد، سرگذشت و کتاب نفس او را بررسی و ارائه می‌نماید تا راه درمان و نجاتش را بیابد و تغییری در جهت بهبود سرنوشت او پدید آورد.» (کی‌نیا، ۱۳۸۶).

جرم‌شناس در ابتدا به طرح سوال درباره بزه کار و کیستی او می‌پردازد که چرا به یک عمل ضداجتماعی اقدام کرده است؟ هدف او از ارتکاب جرم چه بوده است؟ آیا از سلامت جسمانی و روانی برخوردار است؟ کدام عامل ارثی یا محیطی در رفتار جنایی او اثرگذار بوده است؟ که از این حیث کار جرم‌شناس با روان‌شناس هم‌سویی دارد چه که روان‌شناس نیز به دنبال فهم انگیزه ارتکاب بزه کاری و تأثیر عوامل درون فردی و برون فردی در جنایت و تعیین میزان خطر مجرم برای سلامت روانی جامعه است. «نقش روان‌شناسی در تبیین پدیده جرم از زمانی برجسته شد که مجرمان را نه تنها از زاویه قضایی، بلکه از دیدگاه انسانی نیز مورد نظر قرار دادند و به جای آنکه به قضاوت درباره جرم به عنوان یک «عمل مجزا» بنشینند به بررسی تمامی شخصیت پرداختند.» (دادستان، ۱۳۸۲). با این حال روان‌شناس در تلاش است تا با بزه کار یک ارتباط روان شناختی برقرار کند و قبل از اینکه او را یک مجرم بداند او را یک بیمار

قلمداد می‌کند که نیازمند کمک است و در صدد کمک به او برمی‌آید تا مشکل‌اش حل شود که این عمل او هم جنبه درمانی و هم جنبه پیش‌گیرانه دارد.

به عبارتی دیگر جرم‌شناس بیشتر بر ماهیت جرم تأکید دارد و روان‌شناس هویت مجرم و شخصیت او را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. جرم‌شناس با عوامل جرم‌زا سر و کار دارد، اما روان‌شناس با فرد مجرم به مثابه معلول و کسی که قربانی مجموعه‌ای از عوامل زمینه‌ساز جرم بوده سر و کار دارد. به عنوان مثال جرم‌شناس درباره علل بروز و گسترش خودکشی در یک جامعه به پژوهش می‌پردازد و تأثیر آن را در بروز جرایم دیگر مورد بررسی قرار می‌دهد. اما روان‌شناس فرد خودکشی‌کننده و انگیزه و هدف او از انجام این کار را مطالعه می‌کند.

نقش روان‌شناس در شناسایی مجرم

همان‌طور که از قبل اشاره شد دو عامل عمده فرد را به ارتکاب بزه و جرم وادار می‌کند. یکی عوامل فردی (درون فردی) و دیگری عوامل اجتماعی (بیرون فردی) است. روان‌شناس جنایی برای تشخیص مجرم و انگیزه او عامل درونی از قبیل داشتن استعداد و میل به انجام عمل بزه‌کارانه و همچنین عامل بیرونی از جمله محیط و طبقه اجتماعی او را مطالعه می‌کند. هووارد^۱ (۱۹۸۱) اطلاعاتی که یک روان‌شناس جنایی می‌تواند درباره مجرم و جنایت او کسب کند، در یکی از سه گرایش روان‌شناسی بالینی، تجربی و مشاوره قرار می‌دهد. در واقع روان‌شناس جنایی از داده‌های بالینی خود نتیجه می‌گیرد که آیا مجرم از یک مشکل روان‌شناختی خاص رنج می‌برد؟ آیا شاهدان عینی افرادی «خود محور» هستند که واقعیت را جعل می‌کنند و ماجرا را آن گونه که خود می‌پسندند گزارش می‌دهند؟ همچنین از طریق مشاوره همدلانه و بی‌قید و شرط با مجرم همدل می‌شود تا گزارش مستند از صحنه جرم به دست آورد.

روان‌شناس در امر قضاوت نقش دستیار برای قاضی دارد و تسهیل گر امر قضاوت است. در موقع بازپرسی قاضی پرونده با کمک روان‌شناس می‌تواند مجرم را سریع‌تر شناسایی کند. روان‌شناس ابتدا به مصاحبه و مشاهده مجرم می‌پردازد و

فرضیاتی راجع به احتمال مجرمیت او می‌سازد. سپس با انجام آزمون‌های مختلف روان‌سنجی به ارزیابی شخصیت متهم می‌پردازد. «یعنی به طرز رفتار فرد و به مساله شناخت شخصیت او مربوط می‌شود: حسن نیت یا سوء نیت، صداقت یا دروغ، انگیزه عملکرد، گرایش جنایی و بزه‌کارانه مربوط، استعداد بالفعل یا بالقوه بزه‌کاری و غیره.» (فرانسوا گورف^۱، ۲۰۰۱). یکی از مولفه‌هایی مهمی که روان‌شناس به کمک آن می‌تواند به شناسایی مجرم بپردازد، مقوله شهادت و حافظه شاهد عینی در شرح وقایع است. گاروفالو^۲ در تعریف شهادت می‌گوید: شهادت عبارت است از اخبار و اظهار حقیقت وجودی امری که شاهد، علم شخصی نسبت به آن دارد، اعم از اینکه چیزی را به چشم دیده، یا شنیده باشد.

از این رو شهادت فرد تابعی از حواس او و فرایندهای ذهنی‌اش می‌باشد. گواهی‌دهنده:

۱. ابتدا حادثه‌ای را مشاهده کرده است

۲. آن را به حافظه خود سپرده است

۳. آن را برای افراد دیگر شرح داده است.

از آنجا که انسان تحت تأثیر جریان ناخودآگاه خویش است احتمال تحریف عمدی یا غیرعمدی وقایع وجود دارد. که لازم است روان‌شناس برای پی بردن به میزان صحت گفته‌های شهود، ویژگی‌های ذهنی و رفتاری آنها را مورد بررسی روان‌شناختی قرار دهد.

اهمیت شهادت و شاهدان عینی

اهمیت دلایل مبتنی بر شهادت در قلمرو قضایی بر هیچ کس پوشیده نیست و در واقع، شاهد را می‌توان چشم و گوش عدالت دانست (گورف، ۱۹۸۲). به عبارت دیگر، وقتی متهم از اعتراف سرباز می‌زند، شهادت گواهان، دلایلی آسان، ساده و بارزش‌اند که در عین حال خالی از شائبه اشتباه و نادرستی هم نیستند. نکته تکان‌دهنده در نظام قضایی این است که بسیاری از افراد بی‌گناه را فقط با تکیه بر گفته‌های شهود عینی روانه زندان

1. Francois Gorphe

2. Garofalo

می‌کنند (آیسنک و کین^۱، ۲۰۰۰) در حالی که همان‌گونه که فرازتی^۲ و همکاران (۱۹۹۲) خاطرنشان کرده‌اند حتی تعداد اندک اشتباهات بازشناس می‌تواند به محکومیت صدها بی‌گناه در هر سال منجر شود. پس لازم است که مساله شهادت از دیدی انتقادی بررسی شود و در این بررسی است که نقش مهم روان‌شناسی برجسته می‌گردد (دادستان، ۱۳۸۷).

مراحل شهادت

مروری بر پژوهش‌هایی که در مورد حافظه شهود عینی انجام شده‌اند نشان می‌دهند که بسیاری از مولفان بر سه مرحله دریافت، حفظ و به یادآوری - که از لحاظ سستی در تحقیقات مرتبط با حافظه انسانی، مشخص شده‌اند - تأکید کرده‌اند. بدین ترتیب می‌توان گفت که هر شهادت دارای سه وهله متوالی ادراک داده‌ها، به یادآوری و گواهی است (گودمن^۳ و هان^۴، ۱۹۸۷؛ پرنو^۵ و همکاران، ۱۹۸۲). در زیر بنای این توالی، عوامل موثر بر حافظه قرار دارند که برخی از آنها در ادبیات پژوهشی در زمینه «حافظه چهره‌ها» برجسته شده‌اند (شاپیرو^۶ و پرنو، ۱۹۸۶). و برخی دیگر، از ماهیت شهادت عینی به خودی خود ناشی گشته‌اند (دادستان، ۱۳۸۷).

کوشش‌های متعددی برای گروه‌بندی عوامل موثر بر مراحل مختلف حافظه انجام شده‌اند. برای مثال، الیس^۷ (۱۹۷۵) عوامل محرک مانند طول مدت مشاهده را از عوامل فاعلی مانند سن و جنس مشاهده‌کننده متمایز کرده است. همچنین لافتوس^۸ (۱۹۸۱) عوامل مرتبط با رویداد را از عوامل مرتبط با شاهد مجزا کرده و کلیفورد^۹ (۱۹۷۹) عوامل مربوط به بازپرسی را یک مقوله جداگانه در نظر گرفته است.

-
1. Keane
 2. Fruzzetti
 3. Goodman
 4. Hahn
 5. Pernod
 6. Shapiro
 7. Ellis
 8. Loftus
 9. Clifford